

همه‌پرسی اقلیم کردستان؛ منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۴

محمدرضا حاتمی *

میکائیل سانبار **

چکیده

این مقاله ضمن بررسی همه‌پرسی اخیر اقلیم کردستان عراق، منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل در این اقلیم را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که رشد ناسیونالیسم کردی متأثر از شرایط تاریخی، وزن بالای ژئوپلیتیکی، تحولات چند سال اخیر منطقه خاورمیانه و حمایت برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از اصلی‌ترین عوامل تقویت‌کننده استقلال کردستان عراق محسوب می‌شوند و در مقابل، انزوای ژئوپلیتیکی، مخالفت قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران و ترکیه، عدم حمایت بین‌المللی و مسئله کرکوک کلیدی‌ترین موانع اقلیم در راستای تشکیل دولت مستقل کردی است.

واژگان کلیدی: اقلیم کردستان عراق، منابع، تنگناها، دولت مستقل، چشم‌انداز.

hatami5@yahoo.com

sanyar.1394m@gmail.com

* عضو هیئت علمی و دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

** دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی (نویسنده مسئول)

مقدمه

کارشناسان منطقه خاورمیانه پیوسته به اهمیت هویت‌ها برای فهم این منطقه اذعان کرده‌اند (فاست، ۱۳۹۱:۲۶۸). بحران اجتماعی و سیاسی خاورمیانه در سالیان اخیر، شکنندگی دولت-ملت‌های ضعیف و کج‌کارکردی آن‌ها در انسجام‌بخشی به قلمرو سرزمینی و هویتی، باعث خیزش کنش‌گران غیردولتی با مطالبات جدایی‌خواهانه گشته است. این کنش‌گران که دورانی از سرکوب را در بازه‌های زمانی مختلف طی کرده‌اند، خواهان تشکیل سیستم‌های دوفاکتو هستند. ساختارهای دوفاکتو یا ملت‌های بدون دولت، چالشی بزرگ در نظام بین‌الملل و تهدیدی جدی بر علیه انسجام سرزمینی کشورهای خاورمیانه‌ای هستند. در موج جدید فرآیند دموکراتیزه‌شدن خاورمیانه، خیزش اقلیت‌ها و پیگیری اهداف خودمختاری، منجر به عدم ثبات و تعارض در مناطق مورد منازعه شده است. یکی از مناطق مورد منازعه در خاورمیانه، عراق است که به‌دنبال فروپاشی حزب بعث و تشکیل دولت-ملتی ضعیف، زمینه برای ساختار دوفاکتوی کردهای عراق فراهم آورد.

به‌دنبال حملات گروه‌های تروریستی و از سال ۲۰۱۴ به بعد، فرآیند دوفاکتوبودن منطقه اقلیم کردستان عراق تسریع و این حاکمیت محدود خود را به حاکمیت دوزوور نزدیک کرد. در سالیان حکومت دوفاکتو، کردستان عراق با تعامل با دنیای خارج، دیاسپورای کرد و تقویت زیرساخت‌های صنعتی و اداری موفق شده مدل حکمرانی فدراتیو را برای خود تعریف و آن را به صورت شایسته‌ای عملیاتی کند. در این راستا، با استفاده از دیپلماسی نیم‌بندی که البته مدیون احزاب ریشه‌دار پارتی و اتحادیه است، مفصل‌بندی گفتمان هویتی، سرزمینی و ژئوپلیتیک را به‌وجود آورده، که این صورت‌بندی پایه اساسی استقلال این منطقه است. کردستان عراق در حال حاضر و پس از سال ۲۰۰۳ و حملات داعش، گفتمان ژئوپلیتیکی جدیدی را برای خود تعریف کرده است. با توجه به ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی مسئله کرد، تحولات نوین منطقه و وجود برخی فاکتورهای تشکیل دولت مستقل کردی در شمال عراق، پیش‌بینی یکی از احتمالات مرتبط با آینده کردها در عراق، یعنی استقلال، سهل و ممکن‌تر از قبل به نظر می‌رسد.

سؤال اصلی این مقاله این است که منابع و تنگناهای حکومت اقلیم کردستان عراق برای تشکیل دولت مستقل چیست؟ در این پژوهش، اصلی‌ترین منابع تقویت‌کننده و بازدارنده حرکت اقلیم به سوی استقلال و تشکیل دولت مستقل با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی مورد کنکاش قرار گرفته است.

الف. همه‌پرسی استقلال کردستان عراق

به‌هم‌ریختگی سیاسی عراق و منطقه فرصت نوینی در اختیار اقلیم کردستان برای تحقق خواسته دیرینه‌شان ایجاد کرد. مقام‌های بلندپایه دولتی و احزاب سیاسی کردستان عراق، تاریخ برگزاری همه‌پرسی برای اعلام استقلال را ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ اعلام کردند. در تاریخ مقرر این همه‌پرسی در اقلیم کردستان و نواحی مورد مناقشه به انجام رسید. بر طبق ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق باید تا پایان سال ۲۰۰۷ رفراندومی در مناطق مورد اختلاف کردها و عرب‌ها برگزار می‌شد تا روشن می‌شد که آیا این مناطق باید در چهارچوب عراق باقی بمانند یا به اقلیم کردستان بپیوندند. اما این ماده قانون اساسی در عراق هیچ‌گاه اجرا نشد. زمانی که ارتش عراق در برابر حملات داعش، کرکوک را ترک کرد، پیشمرگ‌های کرد در تابستان ۲۰۱۴ با پس‌راندن نیروهای داعش، جای سربازان عراقی را گرفتند. بارزانی در همین زمان بود که موضوع را پایان‌یافته اعلام کرد و گفت ماده ۱۴۰ قانون اساسی عملاً اجرا شده است (ویکی‌پدیا، همه‌پرسی کردستان عراق، ۲۰۱۷).

کمیسیون انتخابات اقلیم کردستان می‌گوید ۹۲/۷ درصد مردم به جدایی کردستان از عراق رأی مثبت داده‌اند. رهبران کردستان عراق گفته‌اند رأی مثبت مردم، به آن‌ها این اختیار را می‌دهد که مذاکرات استقلال از عراق را با دولت مرکزی و کشورهای همسایه آغاز کنند (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۷). اما برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان با واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روبه‌رو شد. در عرصه منطقه‌ای، ترکیه از جمله کشورهایی بود که به شدت مخالفت خود را اعلام و آن را «اشتباهی بزرگ» توصیف کرد. وزارت امور خارجه ایران، برگزاری رفراندوم اقلیم کردستان را «خطایی استراتژیک» خواند و عنوان کرد که این خطا بازخوردهایی در بر خواهد داشت که صرفاً به کردستان عراق هم محدود نخواهد ماند.

آمریکا نیز در بیانیه‌های ضمن غیرضروری خواندن برگزاری این همه‌پرسی مدعی شد که نگران آن است برگزاری این مسئله باعث به حاشیه‌رفتن اولویت مبارزه با داعش شود و با آن که به حق قانونی مردم کردستان برای استقلال از عراق اذعان دارد، اما حامی یک عراق فدرال متحد، با ثبات و دموکراتیک است.

با شدت گرفتن تنش‌ها، دولت عراق در پی محاصره هوایی کردستان عراق است. تا کنون چندین شرکت هواپیمایی اعلام کرده‌اند که پروازهای خود به سوی کردستان عراق را متوقف خواهند کرد. مجلس عراق هم اعزام نیروهای ارتش به مناطقی در جوار اقلیم کردستان را تأیید کرده است. اما فوت جلال طالبانی رهبر حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق و رئیس جمهور پیشین عراق سبب نادیده‌انگاشتن این تحریم شد. هواپیمای حامل وزیر امور خارجه ایران و هیئت همراه، اولین هواپیمایی بود که برای شرکت در مراسم تشییع و تدفین طالبانی در فرودگاه سلیمانیه به زمین نشست. جلال طالبانی به‌عنوان اولین رئیس جمهور کرد در عراق، فردی محبوب برای تمامی گروه‌های عراقی بود. شرکت رجال سیاسی عراق و سایر کشورها در این مراسم زمینه را برای آغاز گفتگو میان اربیل و بغداد هموار نموده است. در تازه‌ترین خبرها به نقل از سایت رووداو، دولت مرکزی عراق از برداشتن محدودیت‌های پروازی از فرودگاه‌های سلیمانیه و هولیر خبر داد. در همین زمینه، رئیس پارلمان عراق عازم اربیل شد تا با مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان گفتگو کند (خبرگزاری رووداو، ۹۶/۷/۱۷).

به باور نگارندگان انجام همه‌پرسی در شرایط کنونی ناشی از این دلایل است: استفاده از فرصت پیش آمده که آرمان سیاسی - تاریخی‌شان را به بار نشانند؛ استفاده از نتیجه آن به‌عنوان اهرم فشار به حکومت مرکزی برای گرفتن امتیاز در حل مسائل مورد مناقشه به سود خود؛ فشار بر آمریکا برای از حمایت از خواسته‌های اقلیم در بغداد؛ حمایت‌های بین‌المللی از اقلیم کردستان در جنگ با داعش.

در مجموع، همه‌پرسی استقلال کردستان و نتایج آن برگ برنده‌ای در دست حکومت اقلیم کردستان برای تحقق آرمان سیاسی‌شان است و یا این که در تلاش‌اند از این طریق از بغداد و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای امتیاز بگیرند.

ب. منابع و تنگناهای اقلیم کردستان برای تشکیل دولت مستقل

پتانسیل‌ها و تنگناهای پیش روی کردستان عراق برای تشکیل دولت مستقل در دو سطح ملی و فراملی قابل بررسی است.

۱. سطح ملی

این سطح شامل بُعد فراملی (اقلیم کردستان) و بُعد ملی (عراق) است. در این سطح فراملی، کردستان در مسیر استقلال، منابع و موانع زیر را پیش رو دارد.

۱-۱. منابع

رشد ناسیونالیسم کردی: انکار و سرکوب هویت کردی در عراق، ناسیونالیسم کُرد را در جریان مقاومت با سیاست‌ها و اعمال حذف و انکار توسعه بخشیده است. تبعیض اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نسبت به گروه قومی توسط جامعه بزرگ‌تر، همان مسئله‌ای است که جان ناگل^۱ آن را «روابط نابرابر مرکز- پیرامون» نامیده است (انتصار، ۱۳۹۰: ۲۰). این تبعیض به ویژگی پایدار آگاهی قومی کردها یاری رسانیده است. پس از جنگ جهانی اول، ناسیونالیسم کردی انگیزه‌ای برای حفاظت از ملیت، حقوق فرهنگی و زبانی بود. با انعقاد قرارداد لوزان، احساسات ناسیونالیستی کردها وارد مرحله جدیدی شد و ملی‌گرایی کردها با استقلال عراق شدت یافت. نسل‌کشی و ادغام در دوران صدام از مهم‌ترین مسائلی بود که کردها را به هم پیوند داد. آنچه بعد از تشکیل حکومت اقلیم مورد توجه مقامات آن قرار گرفت، موضوع شهروندی بود (Barham, 2013).

پس از برقراری منطقه امن در شمال عراق در ۱۹۹۲ کردها به احیا و رشد هویت خود در قالب زبان، پرچم، نمادهای ملی و تاریخی پرداختند. نسل جدید هویت کردی خود را برتر از هویت ملی عراق می‌شمارد و می‌تواند بنیاد استقلال منطقه کردستان به حساب آید (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۱). کردها خود را میراث‌دار جغرافیای ماد و سنبل‌های ملی آن می‌دانند. از دیدگاه

کردها، پراکندگی و تقسیم آنان در حاکمیت کشورهای مختلف، اجباری و حاصل توطئه‌ها و توافقات جهانی و منطقه‌ای است که باید به آن پایان داد (ملکی، ۱۳۹۶). آگاهی کردها از تفاوت‌های هویتی‌شان با اعراب و دیگران، یکی از منابع کردستان عراق برای استقلال به‌شمار می‌آید. علاوه بر آن، تحولات نوین در عراق و منطقه به تقویت و تحریک احساس ناسیونالیستی کردها کمک شایانی نمود. حکومت اقلیم به‌رغم تمامی مخالفت‌ها در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، با تأکید بر هویت و ملیت کردی در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ رفراندوم استقلال از عراق را برگزار کرد.

منابع و ذخایر طبیعی: کردستان یکی از غنی‌ترین منابع آب خاورمیانه را در اختیار دارد. به لحاظ هیدروپلیتیک، کردستان هارتلند خاورمیانه است (محمدی و خالدی، ۱۳۹۰: ۴۱) و بر این اساس، از منزلت ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار می‌گردد (کلهر، ۱۳۹۰: ۵). اقلیم کردستان یکی از مناطق بسیار مهم در خاورمیانه به لحاظ دارابودن نفت است (یاسین محه مه د نه مین، ۲۰۱۴: ۲۰۵). عراق ۱۱۱ میلیارد بشکه نفت دارد که تقریباً یک‌دهم تمام ذخایر کشف‌شده نفت در جهان است (محمدی و خالدی، ۱۳۹۰: ۴۵). شرکت ملی نفت ایران در گزارشی با توجه به اینکه ۵ درصد از ذخیره نفت جهان در کردستان عراق است، اقلیم کردستان را رقیب سرسخت بغداد معرفی می‌کند. شرکت کانادایی اوریکس از افزایش ۱۵ میلیارد بشکه ذخیره نفت خام اقلیم کردستان خبر می‌دهد که ذخیره نفت خام را در آن منطقه به ۶۰ میلیارد بشکه افزایش داده است (www.onoce.ir، شهریور ۱۳۹۵).

بر اساس اظهارات آشتی هورامی، وزیر منابع طبیعی حکومت اقلیم کردستان، ذخیره گازی این منطقه چیزی حدود ۲/۸ تا ۵/۷ تریلیون متر مکعب تخمین زده می‌شود (محمد طاهر، ۱۳۹۱). بنابراین، جایگاه بالای اقلیم کردستان به لحاظ ژئوپلیتیک انرژی، منبع مهم کردها برای تشکیل دولت مستقل به حساب می‌آید.

وضعیت اقتصادی: منابع اقتصادی اقلیم کردستان اغلب از طریق درآمدهای نفتی و سپس کشاورزی و دامداری و گردشگری است. این منطقه پذیرای افراد زیادی (به‌ویژه در ایام نوروز از مناطق کردنشین ایران) است (یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۰۶). کشاورزی به دلیل وجود زمین‌های حاصل خیز و آب فراوان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. گردشگری نیز یکی از منابع

اقتصادی آن منطقه است. اکنون ۱۷ درصد کل بودجه عراق به اقلیم کردستان اختصاص دارد. کردستان تنها ناحیه‌ای در عراق است که از رشد اقتصادی ثابت برخوردار است (کاوایانی، ۱۳۸۷: ۹۵). نرخ رشد اقتصادی اقلیم کردستان در ۲۰۱۱ در میان رکود اقتصادی بیشتر کشورهای جهان به ۸ درصد رسید و بر اساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول، با رشد ۱۲ درصدی، این منطقه به دومین اقتصاد رو به رشد جهان تبدیل خواهد شد (محمدی، ۱۳۹۴: ۲۰۸). سیاست صلح‌جویانه و قدرت‌سازگاری این حکومت با نظام بین‌الملل دستاوردهای مثبتی در زمینه‌های اقتصادی برای این منطقه داشته است.

رشد اقتصادی بالا در اقلیم موجب ایجاد فرصت‌های قابل توجهی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توسعه منابع انسانی شده است (خوفی، ۱۳۸۷: ۱۷). بر پایه آمار ۲۰۱۳ نرخ بیکاری در کردستان عراق حدود ۴ درصد گزارش شده است (اقتصاد اقلیم کردستان، ویکی پدیا).

به لحاظ اقتصادی، این منطقه در مسیر رونق قرار گرفته است. میزان تولید نفت این منطقه از ۳۰۰ هزار بشکه (سال ۲۰۱۳) و ۸۵۰ هزار در روز (در شش ماه اول ۲۰۱۵) به یک میلیون بشکه (در شش ماه دوم سال ۲۰۱۵) رسید (Ministry of Natural Resources, 2015). هرچند تا کنون سرمایه‌گذاری چندانی در بخش کشاورزی انجام نگرفته است، اما با دارا بودن زمین‌های مناسب برای کشاورزی (۲۸ درصد از کل مساحت اقلیم) در مقایسه با کشورهای خاورمیانه از وضعیت بهتری برخوردار است (Atrush, 2014). اقلیم با بستن قراردادهای اکتشاف و فروش نفت و کسب درآمد در سطح بین‌الملل، عملاً مستقل از بغداد عمل می‌کند و با گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشورها به دنبال کسب استقلال اقتصادی از بغداد است (Stansfield, 2013: 268).

وضعیت سیاسی: ثبات و امنیت حکومت اقلیم از برنامه‌ها و راهبرد آن منطقه در سه دهه گذشته بوده است؛ چون آن‌ها معتقدند وجود ثبات و امنیت به بقا و پایه‌های قانونی آن استمرار خواهد بخشید. در دو دهه اخیر از درگیری نظامی (به جز داعش) به دور بوده‌اند. اقلیم گام‌های مهمی همچون تدوین قانون اساسی، برگزاری انتخابات، نهادسازی سیاسی، انتخاب پرچم، زبان رسمی و... برداشته است. حکومت اقلیم دارای قوه مقننه، مجریه و قضائیه است.

همچنین، با دارا بودن نمایندگی در خارج و وجود کنسولگری‌هایی از کشورها در داخل، ارتباطات سیاسی با کشورها را بدون هماهنگی بغداد ادامه می‌دهد. فضای سیاسی کردستان عراق از محدودیت‌های چندانی برخوردار نیست و از نظر حقوق سیاسی، آزادی‌های فرهنگی و مدنی به‌عنوان منطقه‌ای مردم‌سالار معرفی می‌شود. از لحاظ بنیان‌های دموکراتیک، گام‌هایی برداشته شده است و به سامان‌دهی بنگاه‌های مردم‌نهاد و قبول مشارکت احزاب اپوزیسیون در قدرت پرداخته‌اند (محمدیانی و ترابی، ۱۳۹۶: ۱۳۷-۱۳۶).

بسیاری از کارگزاران حکومت اقلیم مهاجران ساکن اروپا و آمریکا هستند که طبعاً رویکرد آن‌ها در گستره مدیریتی‌شان بر لیبراسیم اقتصادی و سیاسی مبتنی است (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹: ۲۰۴). سیستم سیاسی حکومت اقلیم کردستان عراق، جمهوری پارلمانی است و بر مبنای تک‌تک سیاسی و انتقال مسالمت‌آمیز قوای سه‌گانه قرار دارد (بلدیز، ۱۳۹۱: ۳۰۴). با تحلیل ویژگی‌های ساختاری حکومت منطقه‌ای کردستان، می‌توان خصوصیات زیر را برای نظام سیاسی آن برشمرد: ۱. دموکراتیک بودن؛ ۲. تأثیرپذیری از ویژگی‌های عمومی ملت کردستان؛ ۳. به رسمیت شناختن حقوقی اقلیت‌ها؛ ۴. به رسمیت شناختن حقوق زنان؛ ۵. تمرکززدایی قدرت سیاسی و اجرایی در ابعاد قانونی و قضایی؛ ۶. عمل در چارچوب سیستم اقتصاد آزاد (قربانی‌نژد، ۱۳۸۷: ۱۸۹-۱۸۵). بر اساس ویژگی‌های کارکردی در سطح داخلی، صلاحیت مربوط به اجرای قوانین و لوایح مصوب پارلمان کردستان، محافظت از امنیت داخلی منطقه و ثروت‌های عمومی آن و... بر عهده حکومت منطقه‌ای کردستان است.

در سطح ملی نیز حکومت منطقه‌ای کردستان به نسبت وزن ژئوپلیتیکی و سیاسی خود، در اداره حکومت فدرال عراق نقش دارد. همواره یکی از سه شغل حساس ریاست جمهوری، نخست‌وزیری و ریاست پارلمان فدرال و نیز یکی از سه وزارت‌خانه کلیدی امور خارجه، کشور و نفت در سطح ملی به کردها اختصاص پیدا می‌کند. در سطح بین‌المللی نیز بر اساس ماده ۲۲ فصل چهارم قانون اساسی عراق، حکومت‌های منطقه‌ای می‌توانند به‌طور مستقیم با کشورهای دیگر به امضای توافق بپردازند (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱۱-۲۱۰).

حکومت اقلیم کردستان در تجربه ۱۳ ساله خود، در سه سطح مذکور ایفای نقش کرده و در سطح بین‌المللی که از اهمیت بالایی برخوردار است، فارغ از بغداد توانسته است به

همکاری و امضای توافق در زمینه‌های سیاسی اقتصادی، نظامی و فرهنگی با سایر کشورها بپردازد. فعالیت‌های نفتی حکومت اقلیم و روابط آن با ترکیه در چند سال اخیر، کمک به احزاب کردی، تجهیز نیروهای پیشمرگه، روابط با کشورهای خارجی، در اختیار گرفتن ۴۰ درصد از مناطق مورد مناقشه، مخالفت با تصمیمات دولت مرکزی، تبدیل نیروهای پیشمرگه به ارتش ملی کردستان و... را باید از اقدامات اصلی حکومت اقلیم در راستای استقرار سیاسی به‌شمار آورد.

نیروی نظامی - دفاعی (پیشمرگه): اقلیم کردستان دارای نیروی نظامی و نیروی امنیتی و اطلاعاتی قابل توجهی در حدود ۱۱۰ هزار نفر است (نامی و محمدپور، ۱۳۸۷: ۵۱۰). موقعیت و توان نظامی پیشمرگه‌های کرد پس از تهاجم داعش به عراق، آرایش جدیدی به خود گرفته است. بر پایه گزارش اندیشکده آمریکایی واشنگتن، شمار این نیروها حداقل ۱۳۰۰۰۰ نفر است. البته منابع دیگر آنان را تا ۲۰۰۰۰۰ نفر نیز تخمین می‌زند (شفقنا، ۲۴ مرداد ۱۳۹۳). این نیرو در حال حاضر از توان نظامی و روحیه بالایی برخوردار است. اعزام نیروی پیشمرگه به کوبانی در مناطق کردنشین سوریه برای حمایت از نیروهای کرد ویگان‌های مدافع خلق در برابر با داعش نشان از اهمیت و تأثیر گذاری این نیرو دارد. همچنین، حمایت‌های بین‌المللی ائتلاف علیه داعش از نیروی نظامی اقلیم کردستان، بر توان آن افزوده است. این نیرو قابل‌اتکاترین نیروی زمینی در جنگ با داعش محسوب می‌شود.

اهمیت ژئوپلیتیکی کردستان عراق: هرچند وزن بالای ژئوپلیتیکی کردستان عراق به‌عنوان یک منبع حیاتی برای استقلال مورد توجه حکومت اقلیم کردستان و نخبگان سیاسی گرد است، هم‌زمان یکی از موانعی تشکیل دولت مستقل کردی از فروپاشی عثمانی تا کنون نیز بوده است. اما الگوهای رفتاری منبعث از سیاست، قدرت و جغرافیا که به تعبیری تعریف ژئوپلیتیک است، می‌تواند به ایجاد موازنه قدرت با رقبا در سطح منطقه‌ای و جهانی در راستای تأمین امنیت و حفظ و گسترش منافع ملی بینجامد. به‌طور کلی، کردستان عراق به‌دلیل زیر از وزن ژئوپلیتیکی بالایی در خاورمیانه برخوردار است: ۱. در فضای جغرافیایی خاورمیانه، کردستان در محل تلاقی چند سازه سیاسی ایران، عراق، ترکیه، سوریه و ارمنستان قرار دارد؛ ۲. کردستان بین چند تمدن کهن از جمله تمدن ایرانی، تورانی (ترک) و تمدن عربی (سامی) واقع شده

است؛ ۳. کردستان به لحاظ ساختار طبیعی محل تلاقی سه حوزه فلات قفقاز، فلات ایران و فلات شبه جزیره عربستان است؛ ۴. کردستان، هارتلند خاورمیانه است؛ ۵. به لحاظ ژئوپلیتیک انرژی اهمیت فوق العاده ای دارد (محمدی و خالدی، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۰)؛ ۷. به لحاظ نظامی، کوه های کردستان به عنوان عمق استراتژیک و محافظت کردها به شمار رفته اند و ناتوانی همسایگان قدرتمندشان در دسترس به مناطق کوهستانی، آن ها را قادر ساخته از خود محافظت نمایند (مبارکشاهی، ۱۳۹۴: ۸۶).

قدرت رسانه ای: رسانه های جمعی در کردستان عراق یکی از عوامل اصلی تقویت ناسیونالیسم کردی و زمینه ساز شرایط تجزیه عراق و تشکیل دولت کردی به شمار می روند. با در نظر گرفتن مجموع رسانه ها، هم اکنون حدود ۹۰۰ رسانه تبلیغاتی در اقلیم کردستان وجود دارد (خبرگزاری کرد پرس: ۲۰۱۳/۶/۲۹).

۲-۱. تنگناها

انزوای ژئوپلیتیکی (محصوربودن در خشکی): موقعیت جغرافیایی امری مهم در رفتار سیاسی بازیگران است. کردستان عراق موقعیتی کم و بیش میانی دارد و در واقع، حلقه پیوندی است میان کردستان ترکیه، کردستان ایران (شرق) و با نواحی عمدتاً کردنشین سوریه (کنдал و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۷۴). شرایط بدخیم ژئوپلیتیک، محدودیت هایی را در تصمیم سازی و تصمیم گیری بر سیاست گذاری های اقلیم کردستان تحمیل کرده است.

اهم این شرایط به شرح ذیل می باشند: ۱. به رغم دسترسی به منابع آبی فراوان، عملاً کردستان عراق یک منطقه محصور در خشکی است؛ ۲. این منطقه بین دو قدرت بزرگ منطقه ای ایران و ترکیه و بر روی یک گسل تمدنی پارس- ترک - عرب قرار دارد؛ ۳. استان های نفت خیز کرکوک، موصل و قسمت های اعظم استان دیالی در نزدیکی مرزهای ایران و ترکیه قرار دارد و از نظر ژئوپلیتیک این امر یک ضعف و آسیب پذیری امنیتی تلقی می شود؛ ۴. تقسیم کردستان عراق بر پایه خطوط مذهبی و قومی به طوری که دو گرایش عمده قومی- لهجه ای سوران - بادینی و حضور کردهای فیلی، یزیدی، شبک و حضور ترکمن های شیعه،

سنی و اقلیت‌های آشوری و نسطوری گسل‌های عمیق ژئواتنیکال را در منطقه به‌وجود آورده است (عبداله‌پور، ۱۳۹۶).

هرچند موقعیت میانی کردستان عراق، ظرفیت تأثیرگذاری آن را بر سایر نواحی کردنشین افزایش می‌دهد، اما این موقعیت به‌دلیل محصوربودن در خشکی و عدم دسترسی به دریا و همچنین محصوربودن میان کشورهای که مخالف استقلال اقلیم کردستان‌اند، یکی از موانع اساسی اقلیم برای حرکت به سمت استقلال به‌شمار می‌رود. به عبارتی، بزرگ‌ترین تنگنای ژئوپلیتیکی کردستان عراق را انزوای جغرافیایی تشکیل می‌دهد (عبدالله پور: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

مخالفت دولت عراق و سایر گروه‌های عراقی: شیعیان و کردها از فدرالیسم حمایت می‌کنند، اما سنی‌ها با فدرالیسم به‌خصوص در مورد شیعه‌ها مخالفند. سنی‌ها نگرانند در صورت ایجاد منطقه فدرال در جنوب که شیعیان ساکن آنند، در منطقه مرکزی فاقد نفت (مناطق سنی‌نشین) محاصره شده و گرفتار شوند (ازغندی و کرمی، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۷). استقلال اقلیم کردستان به‌معنای تجزیه عراق است و این مسئله علاوه بر از دست رفتن منابع و ذخایر نفت و گاز، از لحاظ سیاسی نیز خوشایند دولت عراق و سایر گروه‌های غیر کرد نیست.

کرکوک: کردها به استان نفت‌خیز کرکوک ادعای تاریخی دارند (مظهر احمد، ۱۳۸۸: ۱). سیاست‌های ملی‌گرایی عربی و بعثی و تغییر بافت جمعیتی آن و جایگزینی عرب‌ها به‌جای کردها موجب سیاسی‌شدن آن و مبنای بروز رفتارهای سیاسی شد (حق‌پناه، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۵). با سقوط رژیم صدام حسین، مسئله کرکوک تحت‌الشعاع گرد قرار گرفت و در انتخابات ملی و استانی ۲۰۰۵ موقعیت کردها در اداره شهر تثبیت شد. در کنار ۹ نماینده ترکمن و ۶ نماینده عرب، ۲۶ نماینده کرد به شورای شهر کرکوک راه یافتند (محمدی، ۱۳۹۴: ۲۴۹). بر اساس ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق فدرال، باید طی ۳ مرحله عادی‌سازی (بازگشت ساکنان کرد، ترکمن و مسیحی به کرکوک)، سرشماری از ساکنان قانونی شهر و همه‌پرسی تا آخر ۲۰۰۷ مسئله کرکوک حل می‌شد، اما این ماده تا کنون اجرایی نشده است. با تهاجم داعش به عراق، کردها توانستند با پس‌راندن داعش از استان کرکوک و سایر مناطق مورد مناقشه میان اربیل و بغداد، به بسط ژئوپلیتیکی بپردازند.

در این زمینه، نوری مالکی در نشست خبری خود در تهران ادعا کرد که مناطقی در عراق که از سوی نیروی پیشمرگ اقلیم کردستان از اشغال داعش آزاد می‌شود، در چارچوب تقسیمات کشوری قبلی قرار می‌گیرد و در پاسخ، وزارت پیشمرگ اقلیم کردستان عنوان کرد مرزهای اقلیم کردستان را نیروی پیشمرگ تعیین می‌کند نه مالکی (خبرگزاری کُرد پرس، ۹۵/۱۰/۱۷). مسعود بارزانی هشدار داد که با هر کسی بخواهد کرکوک را از کردستان بگیرد مقابله خواهد شد (خبرگزاری فارس، ۹۶/۶/۱۱). در تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۱۷ شورای استان کرکوک با اکثریت آرا، رأی به برافراشتن رسمی پرچم کردستان در مراکز و ادارا دولتی این استان داد. اما پارلمان عراق در باره برافراشته شدن پرچم اقلیم کردستان در استان کرکوک رأی‌گیری و مخالفت خود را با این مسئله اعلام کرد (خبرگزاری ایسنا، ۱۳ فروردین ۱۳۹۶). اما با وجود مخالفت گروه‌های غیرکرد ساکن در کرکوک و رأی پارلمان عراق، کردها مصمم به انجام فراندوم در کرکوک و سایر مناطق مورد مناقشه با بغداد بوده و درصدد بازگرداندن این مناطق به اقلیم کردستان هستند.

در مجموع، کرکوک و موانع الحاق آن یکی از چالش‌های اساسی حکومت اقلیم کردستان برای تشکیل دولت کردی است.

اختلافات احزاب کردی: اختلافات میان دو حزب اصلی دموکرات به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی امری دیرینه است. اختلافات فکری و ایدئولوژیکی و همچنین اختلاف بر سر نحوه تصمیم‌گیری در مورد مسائل ملی و نیز مسائل مهم در کردستان عراق است که به جنگ داخلی ۱۹۹۸-۱۹۹۴ منجر شده است. در حال حاضر پنج حزب اصلی در پارلمان کردستان ایفای نقش می‌کنند: حزب دموکرات (پارتی)، اتحادیه میهنی (یه کیه تی)، جنبش تغییر (گوران)، حزب اتحاد اسلامی کردستان (یه کگرتوو) و حزب حمایت اسلامی کردستان عراق (کومه له ی ئیسلامی). قدرت اصلی و همچنین اختلافات اساسی میان سه حزب اول کردستان (دموکرات، اتحادیه میهنی و گوران) است. یکی از موانع عمده استقلال کردستان عراق شخصیت‌های سیاسی هستند که کسب و کاربرد قدرت در اقلیم را بر هر گونه توافق و سازش سیاسی ترجیح می‌دهند. در این میان، قدرت‌طلبی بارزانی زیانزد است که سایر احزاب را به مخالفت با ادامه ریاست غیر قانونی وی واداشته است (نوری اصل،

(۱۳۹۵). معوق‌شدن فعالیت‌های پارلمان اقلیم کردستان به دلیل به نتیجه نرسیدن مذاکرات پنج‌حزب اصلی در مورد ریاست اقلیم کردستان، به آشفتگی سیاسی در اقلیم دامن زده است. به لحاظ سیاسی، جریان‌های سیاسی و احزاب موجود در اقلیم بر سر همه‌پرسی اختلاف‌نظر دارند. اقلیم کردستان با بن‌بست سیاسی دست و پنجه نرم می‌کند. به لحاظ اقتصادی و اجتماعی نیز سقوط بهای نفت، فساد گسترده و اوضاع نابسامان اقتصادی در اقلیم و... از مهم‌ترین معضلات و آسیب‌های اجتماعی هستند که برخی گروه‌های سیاسی در اقلیم به‌ویژه احزاب رقیب حزب دمکرات با تأکید بر آن‌ها، سیاست‌های بارزانی و حزب دمکرات را مورد انتقاد قرار می‌دهند (خلیل طهماسبی، ۱۳۹۶).

موانع اقتصادی: جامعه کردستان همچون سایر کشورها و مناطق موجود در غرب آسیا عمدتاً به منابع غیرمولد وابسته است. بخش عمده‌ای از درآمدهای اقلیم کردستان از طریق صنعت گردشگری، فروش نفت، داد و ستد عمدتاً قاچاق سوخت، لوازم خانگی، پوشاک و... تأمین می‌شود؛ منابعی که برای اداره کشور مستقل ناکافی به نظر می‌آید (نوری اصل، ۱۳۹۵). در حال حاضر مهم‌ترین مشکل که دولت اقلیم کردستان حتی پیش از تهدید داعش با آن دست به گریبان است، بحران اقتصادی در این منطقه است. از آغاز سال ۲۰۱۴ کردستان با سه موج اقتصادی مواجه بوده است. نخست، در فوریه ۲۰۱۴ زمانی که حکومت اقلیم با دولت مرکزی عراق بر سر مسائلی چون میزان بودجه فدرال برای کردستان دچار اختلاف شدند. به دنبال آن ظهور داعش و تاخت و تاز آن در عراق در ژوئن ۲۰۱۴ بود که موجب افزایش هزینه‌های امنیتی و نظامی و آوارگی بیش از دو میلیون نفر در منطقه شد، که غالباً به سمت سرزمین‌های تحت کنترل کردها که از امنیت نسبی برخوردار بود، سرازیر شدند. در نهایت، سقوط ناگهانی نفت در اواسط سال ۲۰۱۴ که ضربه نهایی را به اقتصاد کردستان وارد کرد.

این در حالی است که کارشناسان اقتصادی، سرمایه‌گذاری نادرست و بی‌رویه، رانت‌خواری، حجیم‌بودن دولت و تکیه بر اقتصاد نفتی را عوامل اصلی بحران کنونی می‌دانند (العالم‌نیوز، ۲۰ بهمن ۱۳۹۵). با این اوصاف، دولت اقلیم کردستان از پرداخت حقوق کارمندان عاجز بوده و این امر اعتراضات مردم را در پی داشته است. همچنین، هم‌اکنون اقلیم کردستان

عراق با بدهی حدود ۲۸ میلیاردی و عدم تأمین مایحتاج مردم به سمت ورشکستگی پیش می‌رود (زرنوشه، ۱۳۹۶).

۲. سطح فراملی (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای)

۲-۱. منابع

تحولات نوین منطقه: با سقوط رژیم بعث در آوریل ۲۰۰۳ کردها به نیرویی فعال در بدنه حکومت عراق و همچنین به نیرویی تأثیرگذار بر سیاست خارجی منطقه و قدرت‌های غربی تبدیل شدند. کردها پس از یک سده مبارزه خونین با حکومت‌های عراق در مسیر کسب حقوق خود قرار گرفته و همه این‌ها ناشی از تغییر سیاست خارجی ایالت متحده در مورد صدام حسین بود. ناسیونالیسم در جامعه کرد شکوفا شده و کردها خواهان دستیابی به حداکثر حقوق خود شدند. حکومت اقلیم کردستان از سوی حکومت فدرال عراق به رسمیت شناخته شده و زبان کردی به‌عنوان زبان رسمی در کردستان و زبان دوم در عراق مطرح گردید. کردها در حکومت مرکزی سهم شده و به وزنه‌ای قدرتمند در کابینه دولت و پارلمان عراق مبدل گردیدند. کردها دیگر به‌عنوان بازیگران حاشیه‌ای و کم‌اهمیت یا تماشاگران جانبی و دور از صحنه سیاسی آشکار منطقه نگریسته نمی‌شوند (انتصار، ۱۳۹۰: ۷).

اما نقش اساسی کردها در تحولات نوین منطقه با ظهور داعش نمایان گردید. پس از سقوط موصل و اشغال مناطق وسیعی از عراق و سوریه، نیروهای پیشمرگه به‌سرعت شبه‌نظامیان داعش را از مناطق کردنشین مورد منازعه حکومت اقلیم و بغداد پس رانده و اداره این مناطق را به‌دست گرفتند. مبارزه پیشمرگان کرد سبب مطرح‌شدن هرچه بیشتر اقلیم کردستان در مجامع بین‌المللی و رسانه‌ها گردید. ائتلاف ضد‌داعش به رهبری آمریکا از حکومت عراق و اربیل حمایت کرد. در سوریه نیز کردها به تأسیس منطقه فدرال خود تحت عنوان سه کانتون کوبانی، جزیره و عفرین مبادرت کرده‌اند. با وجود مخالفت‌های شدید ترکیه، یگان‌های مدافع خلق (YPG) توانسته‌اند بخش اعظم مناطق کردنشین سوریه را تحت کنترل خود درآوردند. هم‌اکنون نیز نیروهای سوریه دموکراتیک که تحت فرماندهی کردها و متشکل

از نیروهای کرد، عرب، آشور، سریانی و مسیحی و... است به سوی پایتخت خلافت داعش «رقه» در حال پیشروی هستند و بخش‌هایی از این شهر را به کنترل خود در آورده‌اند.

نیروهای کرد و سوریه دموکرات مورد حمایت ائتلاف ضد داعش و همچنین روسیه هستند. با وجود نگرانی‌های ترکیه و هشدار این کشور به قدرت‌های غربی و روسیه، کردها همچنان تحت حمایت قدرت‌های مزبور هستند. دولت باغچلی، رئیس حزب ملی گراهای ترکیه، در این باره عنوان می‌کند که حزب اتحاد دموکراتیک با حمایت غرب دنبال تشکیل کشور کردستان است. ترکیه محاصره شده است (هه وال نیوز، ۴ فروردین ۹۶). سایکس پیکو در یک صدمین سال خود تنها بر روی کاغذ مشاهده می‌شود و مرزهای عراق و سوریه اکنون تحت کنترل حکومت اقليم كردستان و کانتون‌های کرد سوریه است.

از سوی دیگر، در ترکیه، عراق و سوریه، پ.ک.ک به نیرویی مهم و تأثیرگذار بر روند تحولات بدل شده است. شبه‌نظامیان پ.ک.ک در کرکوک و شنگال در استان نینواى عراق بر علیه داعش مبارزه می‌کنند. اتهام یکی‌بودن YPG و PKK از جانب ترکیه از سوی مقامات آمریکایی و غرب مردود دانسته شده است. به طوری که این مسئله به چالشی جدی در سیاست خارجی ترکیه بدل گردیده است. از سوی دیگر، حزب اتحاد دموکراتیک و بسیاری دیگر از احزاب کردی در ترکیه و عراق، ترکیه را متهم به حمایت مالی و معنوی داعش می‌کنند. آنچه در بررسی روابط خارجی ترکیه در مسئله کردها اهمیت دارد این است که ترکیه برای ممانعت از تشکیل دولت کردی و یا شکل‌گیری هرگونه جغرافیای سیاسی کردی در سوریه به‌شدت در تلاش است. تحولات نوین منطقه برای کردها در عراق و سوریه فرصت‌زا بوده و کردها توانسته‌اند به وجهه‌ای بین‌المللی دست یابند. سیر تحولات در پیشبرد منافع کردها در سوریه و عراق بوده است.

به طور کلی، مناطق کردنشین خاورمیانه منهای ایران را می‌توانیم تابع این فرمول کلی بدانیم که طی سال‌های اخیر همواره در راستای استفاده از وضعیت ملتهب منطقه‌ای و بین‌المللی به نوعی در جهت پیگیری هدف و آرمان سنتی و تاریخی خودشان که رسیدن به استقلال است، تلاش کرده‌اند. در ایران جنبش کردی تجزیه‌طلبی به‌شکلی که در سایر کشورها هست، وجود ندارد و کردهای ایران ترجیح می‌دهند به اولویت‌های دیگری فکر کنند. اما جنبش کرد در سه کشور عراق، سوریه و ترکیه اتصال و پیوستگی بیشتری با یکدیگر دارند

(حق‌پناه، ۱۳۹۶). کردها در عراق توانسته‌اند از لحاظ دیپلماسی رسمیت پیدا کنند و با شروع جنگ سوریه، کردهای سوری نیز توانستند خود را به‌عنوان پایه ثابت معادله سوریه در جهان بشناسانند. دیپلماسی فعال کردها در عرصه بین‌المللی منتظر فرصت بود و حضور داعش در سوریه و عراق این موقعیت را برای آن‌ها به‌وجود آورد (غلامی، ۱۳۹۶). جنبش کردی در سه کشور عراق، ترکیه و سوریه تقریباً وضعیت بالنده و پویایی را داشته و به‌رغم مواجهه با مشکلات و موانع، در مجموع به وضعیت تثبیت‌شده‌ای رسیده است و دست‌کم در عراق و سوریه حالتی غیر قابل بازگشت را می‌توان تصور کرد.

وضعیت بحرانی سوریه: سوریه همراه موج معروف به «بهارعربی» دستخوش تحولات بسیاری گردید. کردها در سوریه از جمله بازیگران مهم و برنده این تحولات به‌شمار می‌آیند. کردها موفق به تشکیل کانتون‌های خودمختار جزیره، عفرین و کوبانی شده‌اند. آینده کردهای سوری تابع شرایط جهانی و منطقه‌ای و نقش بازیگران صاحب قدرت در این مناقشه است. نظام دموکراتیک مناطق خود مختار کردستان سوریه، مفهوم دولت-ملت و دولت‌های مبتنی بر نیروی نظامی، مذهبی و مرکزگرایی را به رسمیت نمی‌شناسد. انکار دولت-ملت‌سازی از سوی مردم کردستان سوریه نشانه آن است که کردهای سوری دولتی مجزا نمی‌خواهند. بی‌شک پشت این تصمیم عاقلانه نگرشی استراتژیک به واقعیت‌های منطقه‌ای هم وجود دارد (آرتانوس، ۱۳۹۴). با وجود این، هرگونه تحول در سوریه و مناطق کردنشین آن، اقلیم کردستان را متأثر می‌کند و هر ساخت سیاسی که در سوریه پساداعش یا سوریه پس از بشار اسد شکل گیرد، در آن کردها وضعیتی به مراتب بهتر از دوران بشار اسد و حتی الان دارند (حق‌پناه، ۱۳۹۶).

بحران سوریه موجبات همکاری بین کردهای عراق و سوریه را فراهم ساخت. در تابستان ۲۰۱۲ هنگامی که منطقه کردنشین استقلال خود را دنبال کرد، مرحله جدیدی از همکاری کردهای سوریه و حکومت اقلیم شکل گرفت و حکومت اقلیم راهبرد سه جانبه‌ای در پیش گرفت: اول، هزاران نفر از پناهندگان کرد سوری را در کردستان جا داد؛ دوم، پشتیبانی خود را از شورای ملی کردهای سوریه اعلام داشت؛ و سوم، با آموزش‌های همه‌جانبه به کردهای سوریه بر آن است تا از طریق آن‌ها موقعیت اقلیم کردستان و طرفدارانش را در سوریه بهبود

بیخشد (Arraf, 2012). از مهم‌ترین اهداف حکومت اقلیم در سوریه، خارج از احساسات ناسیونالیستی، به تلاش در راستای دستیابی به مسیری برای صادرات نفت به مدیترانه برمی‌گردد. با توجه به همسانی هویتی کردها و پیوستگی جغرافیایی آن‌ها در خاورمیانه از یک سو، و ضعف حکومت دمشق از سوی دیگر، این مسئله فرصتی تاریخی برای اقلیم کردستان محسوب می‌شود.

اسرائیل: اقدامات رژیم صهیونیستی در ارتباط با کردهای عراق از سال ۱۹۶۴ با انتخاب «مبیرامیت» به ریاست موساد شروع شد. او برای مقابله با اعراب، استراتژی طراحی نمود که هدف از آن افزایش عملیات تهاجمی علیه هدف‌های عربی بود و بدین منظور اسرائیل سعی کرد شورش کردها را علیه حکومت عراق یاری کند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴/۴/۲۲). اسرائیل زمینه‌های حضور خود را در کردستان عراق با زیرساخت‌های فنی منطقه آغاز کرده و به دنبال نفوذ سیاسی-امنیتی بوده است. کردها امیدوارند با نزدیکی به اسرائیل و جلب حمایت لابی یهود در آمریکا، نظر آمریکا را در حمایت قطعی از استقلال‌طلبی کردها تغییر دهند. اهداف و منافع کردها از توسعه روابط با اسرائیل عبارتند از: جلب دولت حامی در منطقه و مهار قدرت‌های مخالف و رقیب از طریق آن؛ مقابله با نفوذ ایران (Guzansky & Lindenstrauss, 2012: 27-40) اسرائیل از متحدان سنتی حزب‌های کُرد غرب‌گراست، بنابراین حمایتش از مواضع آن‌ها با توجه به توان اعمال نفوذ لابی یهود در آمریکا می‌تواند نگرش مقامات آمریکایی را نیز تغییر دهد (حق‌پناه ۱۳۸۷: ۱۹۶)؛ اسرائیل برای جلب حمایت دولت‌های ضعیف‌تر کمک‌های اقتصادی مالی زیادی می‌کند (فهرمان‌پور، ۱۳۸۶: ۸۰).

منافع راهبردی اسرائیل از تشکیل دولت کردی عبارتند از: ناامن کردن عقبه کشورهای مخالف اسرائیل (خبرگزاری فارس: ۱۳۹۴/۴/۲۲)؛ تجزیه عراق که سبب کاهش تهدید اسرائیل و به‌هم‌خوردن موازنه قدرت در منطقه به نفع اسرائیل است (اخوان کاظمی و عزیز، ۱۳۹۰: ۱۴۷-۱۴۸)؛ کنترل جریان‌های فکری و نظارت اطلاعاتی بر کشورهای منطقه از طریق حضور در کردستان عراق؛ با ارتباط و حضور اسرائیل در کردستان، نفت مورد نیاز آن تأمین می‌شود (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴/۴/۲۲)؛ انتقال آب شیرین کردستان از طریق اردن به اسرائیل، جزو اهداف راهبردی آن است.

در مجموع، روابط اسرائیل با کردها خوب است. اسرائیل با تشکیل دولت کُرد مخالف نیست، اما معتقد است که تشکیل چنین دولتی غیرممکن است. مهم‌ترین علت آن هم این است که آمریکا و کشورهای منطقه چنین دولتی را نمی‌خواهند. به‌علاوه، اسرائیل باور ندارد آمریکا پروژه‌ای برای تشکیل دولت کُرد داشته باشد. کردستان عراق به‌دلیل وجود ترکیه، در درجه دوم اهمیت برای اسرائیل قرار دارد. هرچند اسرائیل تنها بازیگری بود که از همه‌پرسی استقلال کردستان دفاع کرد، اما می‌کوشد تا اهداف و سیاست خود را در حالت کنونی کردستان عراق که به‌صورت خودمختار اداره می‌شود، پیگیری کند (Hub vista News, 2016). نقش موازنه‌گر اسرائیل در مهار رقبای کُرد در منطقه و تعارض سیاست کشورهای دارای اقلیت کرد با تشکیل دولت کردی، سبب همگرایی کردها به اسرائیل می‌شود. اما این نزدیکی به‌دلیل تعارض سیاست خارجی برخی کشورهای منطقه و جهان اسلامی با اسرائیل، هم‌زمان به یکی از چالش‌های حکومت اقلیم کردستان بدل خواهد گردید. به همین دلیل، وجود هرگونه روابط با اسرائیل از سوی مقامات رسمی حکومت اقلیم کردستان مورد انکار قرار گرفته است.

امریکا: پس از سقوط صدام حسین، روابط آمریکا و کردها در عراق وارد مرحله نوینی شد. تقویت موقعیت کردها در عراق جدید با کمک آمریکا طی چند مرحله صورت گرفت: مرحله نخست، تصویب قانون اساسی موقت عراق در اول مارس ۲۰۰۴ توسط اعضای شورای انتقالی بود. پذیرش فدرالیسم جغرافیایی (اصل ۴)، رسمیت زبان کردی (اصل ۴)، رجحان قوانین پارلمان حکومت اقلیم کردی بر قوانین ملی (اصل ۲۶)، به رسمیت شناختن ترتیبات موجود در کردستان (اصل ۵۴)، و بازگشت کردهای رانده‌شده از کرکوک (اصل ۵۸) از جمله امتیازات اعطایی به کردها در این قوانین بود (حق‌پناه، ۱۳۸۷: ۱۳۱). در زمان ریاست جمهوری بوش، کردستان عراق جایگاه بالا و قدرتمندی در سیاست خارجی آمریکا و همچنین پروژه «خاورمیانه بزرگ» داشت، اما با روی کار آمدن اوباما، مسئله عراق به‌طور کلی و خصوصاً اقلیم کردستان، اهمیت گذشته خود را از دست داد (ره‌حمانی، ۲۰۱۲: ۵۸۲-۵۸۱).

با ظهور داعش و تحولات نوین منطقه، تغییرات اساسی در سیاست دولت‌مردان آمریکا نسبت به مسئله کرد رخ داده است. از نظر آمریکا، کردها تنها نیروی نظامی زمینی و فکری قابل اتکا برای جنگ با داعش هستند. از سوی دیگر، هوشیاری کردها در قبال تحولات

ایجادشده و رشد ناسیونالیسم کردی از نگاه واشنگتن پنهان نیست و آمریکا هم‌زمان از نقش بی‌ثبات‌کننده کردها در ترکیه، عراق و سوریه در صورت لحاظ‌نکردن آن‌ها به‌خوبی آگاه است. بنابراین، در مقطع کنونی از نیروهای کرد در عراق و سوریه حمایت می‌کند. کردستان عراق با توجه به موقعیت استراتژیک آن، وزن بالای ژئوپلیتیک، نظام سکولار و همچنین نیاز کردها به حمایت غرب، منطقه‌ای مطلوب برای اهداف آمریکا در خاورمیانه است.

حمایت آمریکا از اقلیم کردی و همراهی کردها با آمریکا هرچند تابع ملاحظات منافع و محدودیت‌های دوجانبه است، اما اقلیم کردستان عراق به‌دلایل بسیار مورد توجه آمریکا و کشورهای غرب واقع شده است. مجموع این حمایت‌ها سبب بالارفتن وزن سیاسی کردها در عراق و منطقه گشته است.

نقش کردها برای آمریکا از جهات زیر مهم تلقی می‌شود (حاتمی و سانپار، ۱۳۹۵: ۲۷۸):

۱. سیستم حکومتی اقلیم کردستان، جمهوری پارلمانی است و تشابه میان این نوع حکومت‌داری با سیستم‌های دموکراسی در غرب بالاست و اساساً هدف نظم‌نویین مورد نظر ایالات متحده اشاعه دموکراسی به جهان است؛
۲. کردستان عراق پایگاه مناسبی برای حضور همه‌جانبه آمریکا و متحدانش است. آمریکا با حضور خود در اقلیم کردستان به نفوذ خود در منطقه ادامه داده و قدرت‌های رقیب منطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران و ترکیه را رصد می‌کند؛
۳. کردستان عراق برای آمریکا و سایر کشورها منطقه‌ای بکر برای سرمایه‌گذاری بوده و از این طریق می‌توان به سودهای کلان اقتصادی دست یابند؛
۴. با استقلال کردستان عراق، موقعیت اسرائیل در منطقه بهبود پیدا می‌کند؛
۵. آمریکا از نقش فعال کردها در عراق و سوریه و تحولات منطقه آگاه بوده و از نظر آمریکا و متحدان اروپایی‌اش، نیروهای کرد قابل‌اتکاترین نیروی نظامی و فکری در جنگ علیه افراطی‌گری و خشونت‌های سازمان‌یافته گروه‌های تندرو اسلامی از جمله داعش هستند.

علاوه بر این، حفظ توازن قوا در عراق میان گروه‌های سه‌گانه (کرد، شیعه و سنی)، نگرانی در خصوص قدرت‌گیری شیعیان در عراق، حضور و نفوذ برای مهار بازیگران رقیب و متعارض منطقه‌ای از دیگر منافع راهبردی اقلیم کردستان برای آمریکا هستند (حاتمی و سانپار،

۱۳۹۵: ۲۷۹). این همراهی‌ها و حمایت بسیاری از کشورهای اروپایی از اقلیم کردستان و تحولات نوین آن سبب شده که کردها در عراق به موقعیت ممتازی دست یابند. با این حال، آمریکا به دلایلی از اجازه به کردها برای حرکت به سمت استقلال خودداری می‌کند: ۱. ترکیه، ایران و سوریه به دلیل جمعیت زیاد کُردشان با دولت مستقل کُرد در مرزهای کشورشان مخالف‌اند؛ ۲. حاکمیت خود کردها منجر به وضعیتی در بقیه کشور می‌شود که جمعیت شیعه اکثریت می‌یابد و عراق را به جمهوری اسلامی دیگری که بازتاب ایران باشد تغییر می‌دهد؛ ۳. کنترل کردها بر حوزه‌های نفتی کرکوک و موصل سبب می‌شود که مثلث سنی بدون هیچ منبع درآمدی به حال خود رها شود (یلدیز، ۱۳۹۱: ۲۷۱).

اتحادیه اروپا: خاورمیانه به‌عنوان منطقه پیرامون اروپا همواره منطقه‌ای کشمکش‌زا بوده و تهدیداتی را فراروی اتحادیه اروپا قرار داده است. حمایت از اعلام منطقه ممنوعه پروازی در سال ۱۹۹۱ و گسترش ارتباطات سیاسی، اجتماعی با حکومت اقلیم موجب شده که کردها با نگاه ویژه‌ای روابط با اروپا را دنبال کنند. با حمله داعش به حکومت اقلیم، کشورهای اروپایی کمک‌های نظامی زیادی را به این منطقه گسیل داشتند. کشورهای اروپایی موضوع استقلال کردستان را امری سیاسی و در راستای خدمت به حقوق بشر قلمداد می‌کنند (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۶: ۱۳۴). تا کنون هیچ‌کدام از کشورهای اروپایی نسبت به استقلال کردستان واکنش منفی نشان نداده‌اند و تنها بر سر زمان استقلال با حکومت اقلیم هم‌داستان نبوده‌اند. کشورهای اتحادیه اروپا در بازسازی عراق پس از صدام حسین نقش ایفا کرده‌اند. ضریب امنیتی بالای کردستان عراق، این منطقه را بیشتر مورد توجه دولت‌مردان و سرمایه‌گذاران اروپایی قرار داده است.

ب. تنگناهای فراملی

ترکیه: سیاست ترکیه مدرن مبتنی بر انکار هویت کردی بوده است. در تمام طول سال‌های دهه ۱۹۹۰ شمال عراق دو موضوع نگران‌کننده را برای ترکیه یادآوری می‌کرد: ۱. مبارزه با حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)؛ ۲. احتمال تشکیل دولت کردی (محمدی، ۱۳۹۴: ۲۸۵). حل مسئله کُرد نزد دولت ترکیه همواره یک‌جانبه بوده است: ۱. تلاش برای ذوب کردها در جامعه

ترکی؛ و ۲. سرکوب هرگونه جنبش ملی‌گرای کرد و به‌کار بردن مفهوم «ترور» درمقابل آن‌ها (عه بدوللا حه مه که ریم، ۲۰۱۳: ۱۶۲). ترکیه دارای بیشترین جمعیت کرد در جهان است. این کشور تا قبل از ۲۰۰۸ در تلاش برای جلوگیری از قدرت‌یابی کردهای عراق بود، اما با نفوذ کردها در حکومت مرکزی عراق، ترکیه رویکرد خود را نسبت به این منطقه تغییر داد. روابط این کشور با آن منطقه به اهمیت ویژه اقتصادی آن منطقه، استفاده از کردها به عنوان نیروی نفوذی در دولت مرکزی و تلاش حکومت اقلیم در جهت ادامه برنامه صلح ترکیه با کردها برمی‌گردد. هنگامی که رئیس حکومت اقلیم در سال ۲۰۱۲ بغداد را تهدید به استقلال کرد، ترکیه عکس‌عملی نشان داد و ظاهراً نسبت به استقلال آن‌ها موافق بود (Stansfield, 2013).

درخصوص روابط ترکیه با اقلیم کردستان در حال حاضر این موارد مورد توجه دولت ترکیه است: ۱. تلاش برای استفاده از ظرفیت اقلیم کردستان در راستای حل معضل درگیری‌های ارتش ترکیه و پ.ک.ک؛ ۲. تعامل و همکاری با اقلیم کردستان به‌دلیل تغییر سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی نسبت به مسئله کرد؛ ۳. نفوذ سیاسی در اقلیم و بهره‌گیری از آن در راستای تأمین اهداف ملی؛ ۴. حضور فعال در بازار بکر و مصرفی اقلیم کردستان و انعقاد قراردادهای تجاری و نفتی با اقلیم؛ ۵. نگرانی‌های سیاسی و امنیتی ترکیه در مورد کردستان عراق و تحولات پیش رو.

به لحاظ اقتصادی، از مجموع حجم ۱۲ میلیارد دلاری مبادلات تجاری عراق و ترکیه، ۸ میلیارد دلار آن به روابط اربیل-آنکارا اختصاص دارد (خبرگزاری مشرق: ۱۴ دی ۱۳۹۴). هرچند تحولات جاری منطقه و تغییر سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی در خصوص کردها، ترکیه را ناچار از تغییر سیاست خصمانه به یک رویه متعادل‌تر کرده است و منافع اقتصادی حاصل از روابط و همگرایی اقتصادی با اقلیم به عایدات و سود سرشار برای ترکیه انجامیده است، اما دولت ترکیه به‌دلیل داشتن جمعیت بالای کُرد و تصور تهدیدات امنیتی از استقلال اقلیم کردستان، در حال حاضر از تشکیل دولت مستقل کردی در شمال عراق حمایت نخواهد کرد و به همین دلیل اجرای همه‌پرسی استقلال در کردستان را «اشتباه بزرگ» توصیف کرده است.

جمهوری اسلامی ایران: سیاست خارجی ایران در برابر تحولات مناطق کردنشین تابعی از دو عامل مرتبط به هم در دو عرصه داخلی و خارجی قلمداد می‌شود. در بُعد داخلی، ملاحظات ناشی از ایستارها و رویکرد نظام جدید به بازنگری نقش و کارکرد ایران در ترتیبات امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای از یک سو، و رخدادهای پرشتاب و ناامنی‌های مناطق کردنشین ایران در سال‌های نخست پس از انقلاب اسلامی از سوی دیگر، مؤثر بوده‌اند. در بُعد خارجی، باید به رفتار بازیگران رقیب اشاره کرد (حق‌پناه، ۱۳۸۷: ۱۴۵). مسئله کرد هم نقطه ضعف و آسیب‌پذیری داخلی دولت‌ها و هم فرصت برای تضعیف رقیب با استفاده از واگرایی‌های قومی در کشور رقیب به شمار می‌رود. نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران از ناحیه اقلیم کردستان و تحولات آن عبارتند از: ۱. نگرانی در خصوص افزایش نفوذ و تأثیرات کردستان عراق بر مناطق کردنشین ایران و افزایش سطح مطالبات سیاسی کردهای ایران به تبع آن؛ ۲. وجود پایگاه نظامی و مقر و دفاتر سیاسی و احزاب اپوزیسیون مسلح گرد ایرانی در کوهستان‌های قندیل؛ ۳. حضور و نفوذ قدرت‌های رقیب و یا معارض جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان از جمله ترکیه، آمریکا و اسرائیل.

فرصت‌های متصور از ناحیه اقلیم کردستان و تحولات آن برای جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: ۱. استقلال کردستان عراق عملاً پایان یک عراق متحد است و تجزیه عراق تهدیدات احتمالی از جانب عراق را برای همیشه تضعیف می‌کند؛ ۲. استقلال کردستان عراق، توازن جمعیتی و به تبع آن، قدرت را در داخل عراق به نفع شیعیان تغییر می‌دهد. تحکیم قدرت شیعه در عراق همسو با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران است؛ ۳. تقویت محور تهران-اربیل-بغداد در مقابل رژیم‌های سنی منطقه؛ ۴. حضور در اقلیم کردستان سبب ایجاد موازنه در مقابل بازیگران رقیب و کاهش تهدید امنیتی از جانب آن‌ها می‌شود؛ ۵. گسترش هرچه بیشتر روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی با اقلیم کردستان سبب ایجاد همگرایی بیشتر می‌شود. این مسئله با توجه به اشتراکات تاریخی و فرهنگی کردها با سایر گروه‌های قومی ایرانی بیشتر مورد توجه است و از سوی دیگر، این امر سبب جلوگیری از گرایشات واگرایانه کردها در ایران خواهد شد.

ایران در حال حاضر دارای رابطه نسبتاً مثبتی با کردستان عراق است. دارای دو کنسولگری در اقليم بوده و از سطح تجارت خوبی با اربیل برخوردار است (خبرگزاری کردپرس: ۲۹ اسفند ۱۳۹۴).

در مجموع، سوریه، ایران و ترکیه تحولات جدید کردها و تمایلات آنها برای کسب خودمختاری را نیروی آشوب‌ساز منطقه‌ای و امنیت درونی خود به حساب آورده‌اند. آنچه در اینجا قابل تأمل است غفلت ایران از ماهیت حرکت جدید کردها با توجه به میزان پیوستگی و مشترکات فرهنگی - تاریخی آنها با میراث تمدن ایرانی بوده است. استراتژی جمهوری اسلامی ایران در خصوص کردها بیشتر ترکیه‌محور بوده، در حالی که وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی و میزان هم‌نوایی و سازگاری بین قومی در ایران بسیار متفاوت از ترکیه است (جوکار، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح).

تقسیم عراق از دید ایران به اندازه ترکیه زیان‌بار نیست، زیرا منطقه شیعه‌نشین مستقل، بالقوه متحد نزدیک ایران خواهد بود و منطقه کردنشین می‌تواند بالقوه به ایران نزدیک باشد و در ضمن، قدرت رویارویی با ایران را در هر حال نخواهد داشت (قاسمی، ۱۳۸۹: ۵۵). تجربه ۱۱ سال اخیر حکومت اقليم كردستان عراق نشان داده است هر میزان این منطقه دارای ثبات سیاسی، مسئولیت‌های رسمی بیشتر حقوقی و سیاسی از منظر قانون اساسی و حقوق بین‌الملل و استقلال رفتاری بیشتر بوده است، به همان میزان در قبال همسایگان مهمش (ایران و ترکیه) مسئولیت‌پذیرتر بوده است. وساطت با ایران و گروه‌های معارض مسلح برای کاستن و قطع نسبی ناامنی مسلحانه در مرزهای مشترک، وساطت میان ترکیه و پ.ک.ک برای برقراری صلح، افزایش تبادلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی میان ایران و کردستان عراق از جمله این موارد است. از سوی دیگر، کردستان عراق جزئی از جغرافیای نوروز و سرزمین آریایی است (پشنگ، ۱۳۹۳).

کشورهای عربی منطقه: از نظر دولت‌های عرب منطقه، تحولات عراق خوشایند به نظر نمی‌رسد. ظهور شیعیان و کردها طرح «پان‌عربیسم» را از شور و حرارت خواهد انداخت؛ به‌علاوه آنها باید به اقلیت‌های شیعه خود توجه کنند (محمدی، ۱۳۹۴: ۳۱۰). از نظر کشورهای عربی، عراق کشوری عربی و عضوی از اتحادیه عرب به حساب آمده و در صورت

استقلال کردستان، مناطق سنی‌نشین بدون نفت رها شده و شیعیان در بغداد قدرت را به دست خواهند گرفت. از سوی دیگر، تشکیل هرگونه حکومت و دولت سکولار و دموکراتیک در منطقه به ضرر منافع رژیم‌های عربی منطقه است و این در حالی است که دولت‌های عربی با چالش و بحران هویتی و مشروعیت در داخل مواجه هستند. اما از سوی دیگر، مواضع برخی کشورهای عربی همچون عربستان سعودی به دلیل تعارض سیاست با جمهوری اسلامی ایران در خصوص استقلال کردستان قابل توجه است. رقابت ژئوپلیتیکی میان ایران، ترکیه و عربستان سبب تغییر ملاحظات ملی و راهبردی آنکارا و ریاض گردیده است. ترکیه و عربستان سعودی به بهای تضعیف موقعیت ایران با پوشش مذهبی و در قالب مبارزه با هلال شیعی، نه تنها دیگر مخالفی با تجزیه عراق ندارند، بلکه بسترساز آن نیز شده‌اند (ملکی، ۱۳۹۴).

می‌توان گفت مواضع کشورهای عربی در خصوص استقلال کردستان متأثر از تحولات جاری و آینده خواهد بود، ولی در مجموع هیچ کشور عربی وجود ندارد که خواهان تجزیه عراق باشد.

نتیجه‌گیری

یکی از متغیرهای مؤثر بر ترتیبات امنیتی خاورمیانه، گسترش توان و نفوذ بازیگران جدید از جمله کردها و گروه‌های قومی و مذهبی است که سیاست خارجی و امنیتی کشورهای منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. آرمان سیاسی «استقلال» در کردستان عراق قدمتی طولانی دارد. با شروع جنگ دوم خلیج فارس و متعاقب آن سقوط رژیم بعث در عراق، زمینه‌های تحولات جدیدی در این کشور خصوصاً مناطق شمالی آن ایجاد گردید. در پی تهاجم داعش به عراق و رهاکردن برخی از مناطق تحت کنترل بغداد توسط نیروهای عراقی، پیشمرگ‌های کرد به‌طور دوفاکتو کنترل آن‌ها را در دست گرفتند، خواسته‌های اقلیم کردستان برای حق تعیین سرنوشت قوت گرفت. پژوهش حاضر تلاش و مطالعه‌ای برای فهم تحولات جاری اقلیم کردستان عراق و به تبع آن بررسی منافع و تنگناهای حکومت اقلیم برای تشکیل دولت مستقل بوده است.

كردستان عراق داراى عناصر و مؤلفه‌هاىى براى استقلال است و حكومت اقليم كردستان با توجه به امكانات و شرايط و محدوديت‌هاى موجود در تلاش براى تشكيل دولت مستقل كردى است. اما در شرايط كنونى، امكان اعلام استقلال را با توجه به موانع و شرايط منطقه‌اى و بين‌المللى ندارد. برآوردها حاكى از آن بود كه رشد ناسيوناليسم كردى و شرايط و تحولات كنونى عراق و منطقه، وزن بالاي ژئوپوليتيكي و حمايت‌هاى برخى بازيگران منطقه‌اى و فرامنطقه‌اى از جمله اسرائيل، آمريكا و اتحاديه اروپا از اصلى‌ترين منابع تقويت‌كننده حركت اقليم كردستان به سوى استقلال هستند. با اين حال، در حال حاضر آمريكا از استقلال كردستان عراق حمايت نمى‌كند و خواهان استمرار وضعيت كنونى اقليم كردستان به شيوه فدرالى و خودمختارى موجود است. انزوای ژئوپوليتيكي، مسئله كركوك، اختلافات داخلى احزاب اصلى كردى و مخالفت تركيه، ايران و برخى كشورهاي عربى منطقه با تجزيه عراق از مهم‌ترين موانع پيش روى شكل‌گيرى دولت مستقل كردى در شمال عراق هستند.

منابع

- اخوان کاظمی، محمود، عزیز، پروانه (۱۳۹۰)، کردستان عراق؛ هارتلند اسرائیل، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۰.
- ازغندی، علیرضا و کرمی، صابر (۱۳۸۶)، خودگردانی و ایجاد نظام سیاسی دموکراتیک در عراق، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، سال چهارم، شماره ۷.
- انتصار، نادر (۱۳۹۰)، سیاست کردها در خاورمیانه، ترجمه عرفان قانعی فرد، تهران: نشر علم.
- پشنگ، اردشیر (۱۳۹۳)، ایران و مسئله‌ای به نام استقلال احتمالی کردستان عراق، دیپلماسی ایرانی (۱۲ مرداد ۱۳۹۳).
- تاله بانی، جه لال (۲۰۱۱)، کوردستان و بزوتنه وه ی نه ته وه بی کورد، وه رگیرانی ح-ا، کتیب خانه ی جه مالی عه لی باپیر. جوکار، محمدصادق، کردها نظم منطقه‌ای و جایگاه ایران، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- حاتمی، محمدرضا و سانیار، میکائیل (۱۳۹۵)، امکان سنجی استقلال کردستان عراق و پیامدهای آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران غرب.
- حافظ‌نیا، محمد رضا و همکاران (۱۳۸۹)، تحلیل تطبیقی خودگردانی در کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم، برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره چهارم، شماره ۲.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷)، کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۶)، آینده بهتر در انتظار کردهای منطقه، شفقنا نیوز.
- خلیل طهماسبی، نوذر (۱۳۹۶)، چالش‌ها، موانع و نیروهای موثر در تشکیل دولت کردی در عراق، پایگاه تحلیلی کردها.
- خوفی، منوچهر (۱۳۸۷)، شناخت ویژگی‌های بازار شمال عراق و راه‌های دستیابی به آن، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ره حمانی، وریا (۲۰۱۲)، میژووی په یونددیه کانی کورد و نامریکا، هه ولیر: روژه لات.
- زرنوشه، مهدی (۱۳۹۶)، بررسی موانع و چالش‌های اقتصادی استقلال کردستان عراق، پایگاه تحلیلی طنین.
- عبدالله‌پور، محمدرضا (۱۳۹۰)، تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان‌های منطقه‌ای، حزب اسرائیل در میدان مغناطیسی کردستان عراق، قابل دسترسی در پایگاه تحلیلی کردها.
- عبدالله‌پور، محمدرضا (۱۳۹۴)، قبض و بسط ژئوپلیتیکی کردستان عراق با ظهور داعش، بولتن نیوز.
- عبدالله‌پور، محمدرضا (۱۳۹۶)، همه‌پرسی استقلال کردستان عراق، برندسازی ژئوپلیتیک، همشهری دیپلماتیک، تیر و مرداد.
- عه بدولله حه مه که ریم، هیرش (۲۰۱۳)، په یونددیه سیاسیه کانی نیوان هه ریمی کوردستان و ولاتانی دراوسی (ئیران، تورکیا و سوریا ۲۰۰۳-۱۹۹۱، ئیران، تاران).
- غلامی، افشین (۱۳۹۶)، یادداشت در مورد اقلیم کردستان، جام کوردی.
- فاست، لوییس (۱۳۹۱)، روابط بین‌المللی خاورمیانه، ترجمه احمد سلطانی نژاد، وزارت امور خارجه.

قاسمى، محمدعلى (۱۳۸۹)، بازنگران مؤثر بر عراق آينده: منابع و سناريوها، فصلنامه مطالعات راهبردى، سال ۱۲، شماره اول،

قربانى نژاد، ريباز (۱۳۸۷)، بحران‌هاى محيطى و دگرگونى‌هاى ساختارى در سطح ملي و بين‌المللى (با تأكيذ بر بحران اخير مالى امريكا)، اطلاعات سياسى - اقتصادى، شماره ۲۵۶-۲۵۵.

قهرمان پور، رحمان (۱۳۸۶)، رويکرد اسرائيل به منطقه كردنشين عراق، فصلنامه مطالعات منطقه‌اى اسرائيل شناسى - امريكا شناسى، سال نهم، شماره ۱.

كاويانى، مراد (۱۳۸۷)، تحليل ژئوپليتيك كردستان عراق، فصلنامه راهبرد دفاعى، سال ششم، شماره ۲۰.

كاويانى راد، مراد (۱۳۸۹)، ناحيه‌گرابى در ايران از منظر جغرافياى سياسى، پژوهشكده مطالعات راهبردى.

كلهر، آيت (۱۳۹۰)، سبرى در تاريخ سياسى كرد به انضمام پيشينه تاريخى كردهاى قم، تهران: پرسمان.

كندال و ديگران (۱۳۷۹)، كردها، ترجمه ابراهيم يونسى، انتشارات روزبهان.

مباركشاهى، محمود (۱۳۹۴)، نگاهى به جغرافياى سياسى كردستان عراق با تأكيذ بر مسئله كر كوك، نه وين.

محمدى، احد (۱۳۹۴)، تنگناها و پتانسيل‌هاى ژئوپليتيكى استقلال سياسى كردستان عراق، كاني كتيب.

محمدى، حميدرضا و خالدى، حسين (۱۳۹۰)، ژئوپليتيك كردستان عراق، انتخاب، ميرياقري.

محمدديان، على و ترابى، قاسم (۱۳۹۴)، تأثير تحولات پس از سقوط صدام بر وضعيت كردهاى عراق، پژوهش‌نامه ايرانى سياست بين‌الملل، سال سوم، شماره ۲.

محه ممه دئه مين، ياسين (۲۰۱۴)، ليكولينه وه يه ك له جوگرافياى هه ريمى كوردستان، سليمانى: كارو، چاپى سبهه م.

مظهر احمد، كمال (۱۳۸۸)، كر كوك و توابع آن: قضاوت تاريخ و وجدان: پژوهشى تحقيقى پيرامون قضيه كرد در عراق، ترجمه حسين ابراهيمى، چاپ پيره ميرد.

ملكى، صادق (۱۳۹۴)، ظهور دولت كردى: احتمالى كه اتفاق مى‌افتد، ديپلماسى ايرانى.

ملكى، صادق (۱۳۹۶)، علل و تبعات ظهور دولت كردستان، ديپلماسى ايرانى.

نامى، محمدحسن و محمدپور، على (۱۳۸۷)، جغرافياى كشور عراق با تأكيذ بر مسائل ژئوپليتيكى، سازمان جغرافيايى نبروهاى مسلح.

نورى اصل، احد (۱۳۹۵)، اقليم كردستان عراق در رويابى استقلال، موانع داخلى، انديشكده راهبردى تبين.

يلديز، كريم (۱۳۹۱)، كردها در عراق: گذشته، حال، آينده، ترجمه سيروس فيضى، انتشارات توكلى.

يوسفى، مهدى (۱۳۸۴)، مجموعه گزارش كشورى انرژى عراق، مؤسسه مطالعات بين‌المللى انرژى.

Arraf, j. (2012), Iraqi kurds train their Syrian brethren, retrieved from: <http://www.aljazeera.com/indepth/features/.۷۲۲۴۹/۲۰۱۲۷۲۳۹۳۲۵/۰۷/۲۰۱۲.html>.

Barham, O. (2013), Kurds hanger for English, institute for war and peace reporting, retrieved from: <http://iwpr.net/>

Guzansky, Y. & Lindenstrauss, G. (2012), Revival of the periphery concept in israel's foreign policy?, **Strategic Assessment**, 15(2), 27_48.

Ministry of Natural Resources (2015), The rood to 1million barrels. Retrieved from: <http://mnr.krg.org/index.php/en/the-rood-to-1-million-barrels>

Stansfield, G. (2013), The unraveling of the post_first wrld war state system? The kurdistan region of Iraq and the transformation of the Middle East, **International Affairs**, 89.

